

انقلاب اسلامی زمینه‌سازی ظهور؛ ظرفیت‌ها و موانع

علی مجتبی‌زاده*

چکیده

باور به ظهور منجی و برپایی عدالت از مشترکات ادیان الهی و نقطه امید به آینده روشن بشریت است و تحقق چنین هدفی نیازمند زمینه‌سازی و آمادگی است. شکل‌گیری انقلاب اسلامی نویدبخش ظهور جریانی بود که با احیای معنویت و ارزش‌های انسانی و اسلامی، در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور گام برمی‌دارد، اما وجود برخی مشکلات و چالش‌ها موجب شده تا برخی با دیده تردید نسبت به زمینه‌سازی آن برای ظهور بنگرند. در این نوشتار با روش تحلیلی به پاسخ این انگاره پرداخته‌ایم و با اشاره به ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی برای ظهور در ایجاد تحول جهانی، تغییر مسیر تاریخ و احیای اسلام ناب، گسترش گرایش به دین و معنویت، به چالش کشیدن فرهنگ و تمدن، تحقق حاکمیت اسلام ناب، آگاهی‌بخشی و بیدارسازی انسانها و نهادینه کردن مفاهیم ارزشی، نشان دادیم که نقش انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور قابل انکار نیست و این تأثیرگذاری واقع شده است. درعین‌حال به هر میزان که کارآمدی و موفقیت‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و... بیشتر بوده و از مشکلات و ضعف‌ها کاسته شود، در زمینه‌سازی برای ظهور تسریع خواهد شد.

واژگان کلیدی: ظهور، انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی، مشکلات، چالش‌ها.

*. دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی، a.mojtabazadeh@chmail.ir.

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی و برچیده شدن ظلم و فساد و تحقق عدالت از مشترکات ادیان الهی و نقطه امید به آینده‌ای روشن برای بشریت است. تا سال‌های متمادی چیرگی تمدن غربی و حاکمیت تفکر سکولار، تحقق این آرمان را بسیار دور و بعید می‌نمود، اما شکل‌گیری انقلاب اسلامی روزنه نور در دنیای ظلمانی بشر و نویدبخش ظهور جریانی بود که با احیای ارزش‌های انسانی و اسلامی، در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور گام برمی‌دارد، در عین حال بروز برخی مشکلات، ضعف‌ها و آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی و فاصله آن با نقطه آرمانی، تردیدها و تشکیک‌هایی در این زمینه ایجاد کرده است که آیا انقلاب اسلامی با این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز ظهور باشد و اساساً انقلاب اسلامی چقدر ما را به ظهور نزدیک کرده است؟ در این نوشتار به بررسی این موضوع و پاسخ این سؤال‌ها می‌پردازیم.

ابتدا توضیح این نکته لازم است که منظور از زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور در این نوشتار، اصل زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور ولی‌عصر علیه السلام است نه پیش‌داوری در مورد اتصال قطعی انقلاب اسلامی به ظهور، یا تعیین انقلاب اسلامی به‌عنوان یگانه مصداق زمینه‌ساز ظهور.

ضرورت عقلی و عقلایی زمینه‌سازی ظهور

از نظر عقل و عقلا، تحقق اهداف بزرگی همچون برچیده شدن ظلم و فساد و برپایی عدالت در سراسر جهان و حاکمیت جهانی اسلام در انقلاب مهدی موعود علیه السلام به یکباره و بدون زمینه‌سازی و تحقق شرایط آن رخ نخواهد داد و نیازمند فراهم شدن مقدمات و زمینه‌سازی و آمادگی است. وقتی انجام کارهای کوچک نیازمند مقدمه است، چنین کار بزرگی در این ابعاد گسترده، بدون زمینه‌سازی محقق نخواهد شد. از این جهت صرف‌نظر از آموزه‌های اسلامی، عقل و عقلا به لزوم زمینه‌سازی و فراهم شدن مقدمات برای ظهور اذعان دارند.

زمینه‌سازی ظهور در روایات

در روایات اسلامی از حرکت‌ها و قیام‌هایی یاد شده که زمینه را برای ظهور ولی‌عصر علیه السلام و حرکت عظیم آن حضرت فراهم می‌آورد که به‌طور خاص به نقش اهل مشرق و ایرانیان اشاره شده است.

پیش از اشاره به نمونه‌هایی از روایات، تذکر این نکته لازم است که نقل این روایات به معنای تطبیق قطعی این روایات به انقلاب اسلامی و تعیین انقلاب اسلامی و عصر ما به‌عنوان مصداق قطعی این روایات نیست. درعین‌حال ناگفته نماند، هیچ‌یک از حرکت‌ها و تحولاتی که تا به امروز به وقوع پیوسته به اندازه انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز انقلاب حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه نبوده و شرایط و تحولات جهانی نیز هیچ‌گاه به این اندازه به شرایط ظهور نزدیک نبوده است. از این‌رو این احتمال که مراد از دولت زمینه‌ساز، انقلاب اسلامی ایران باشد، وجود دارد و با توجه به برپایی حکومت دینی و طرح اهداف و آرمان‌های بلند اسلامی و استقامت و پایداری در این مسیر و امتحاناتی که ملت ما در ولایت‌پذیری و ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلوم و... با سربلندی از آن بیرون آمده‌اند، ان‌شاءالله مشمول این روایات و این توفیق بزرگ الهی قرار بگیریم.

نمونه‌ای از روایات از این قرار است:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «يَخْرُجُ أَنَسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ گروهی از ناحیه مشرق، قد برمی‌افرازند و زمینه حکومت مهدی عجل‌الله‌فرجه را فراهم می‌سازند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۸۷).

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ . فَنُتَلِّمُهُمْ شُهَدَاءُ، أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ گویی قومی را می‌بینیم که از مشرق در طلب حق قیام کرده‌اند، ولی بدانان نمی‌دهند و باز مطالبه می‌کنند، ولی بدانها نمی‌دهند، پس چون چنین می‌بینند، شمشیرهای خویش را بر دوش می‌گیرند (آماده نبرد می‌شوند) پس در آن هنگام، آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند، ولی نمی‌پذیرند تا اینکه پیروز می‌شوند و آن را جز به حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌فرجه تسلیم نمی‌کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب‌الامر می‌گذارم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۲۴۳).

امام صادق عجل‌الله‌فرجه نیز می‌فرماید: «سَتَخْلُو كُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْرِزُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلِدَّةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ، وَيَصِيرُ مَعْدِنَا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى

لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضَعٌّ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فَيَالْحِجَالِ وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا؛ به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود، و علم از آن جمع می‌شود همان‌طور که ما در لانه‌اش جمع می‌شود، سپس علم و دانش در شهری که به آن «قم» می‌گویند، ظاهر می‌شود، و آنجا مرکز علم و فضیلت می‌شود، تا جایی که هیچ‌کس حتی خانم‌های خانه‌دار در دین مستضعف باقی نمی‌مانند و این نزدیک ظهور قائم ما (حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه) خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۲۱۳).

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَرِبِرِ الْحَدِيدِ، لَا تُزَلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمَلُّونَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجُبُّونَ، وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ؛ مردی از اهل قم قیام می‌کند، مردم را به سوی حق دعوت می‌نماید، جمعیتی نیرومند که مانند پاره‌های آهن (سخت و استوار) هستند، به گرد او جمع می‌شوند که طوفانهای حوادث آنها را نمی‌لرزاند، و از جنگ با دشمن خسته نمی‌شوند، و ترس به آنها راه ندارد، و توکلشان به خداست» (محدث قمی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۴۴۶).

ظرفیت انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور

انقلاب اسلامی صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و ضعف‌ها از زوایا و ابعاد متعدد، ظرفیت غیرقابل انکاری در زمینه‌سازی ظهور داشته است. البته وقتی سخن از زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور می‌کنیم به معنای حکم به اتصال قطعی انقلاب اسلامی به ظهور نیست، بلکه اصل زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور مدنظر است.

مهم‌ترین ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور عبارتند از:

ایجاد تحول جهانی

زمینه‌سازی ظهور نیازمند ایجاد دگرگونی و تحول فکری و اعتقادی در سطح جهان است که انقلاب اسلامی بسترساز این تحول عظیم شد.

رابرت دی‌لی، از استادان برجسته علوم سیاسی در ایالات متحده آمریکا، در مقاله «انقلاب اسلامی و اصالت» اذعان می‌کند که انقلاب اسلامی ماهیت خاصی دارد که در قالب متدلوژی متداول در غرب قابل تحلیل نیست. وی در بخشی از این مقاله می‌نویسد:



«انقلاب اسلامی پیچیده و اسرارآمیز می‌نماید، مساوات طلب است، اما در عین حال سوسیالیست یا دمکراتیک نیست. رادیکال است، اما سنتی نیز به نظر می‌رسد... نظریه‌های علوم اجتماعی راجع به نوسازی، خواه مارکسیست، خواه ملهم از سرمایه‌داری لیبرال، نتوانستند وقوع آن را پیش‌بینی کنند و هنوز توضیح قانع‌کننده‌ای برای آن ارائه نکرده‌اند، تنها در دل تاریخ اسلام که با قیام‌های زاهدانه در هر عصری مشحون است، می‌توان معنایی برای این جنبش عظیم که جهان اسلام را درنوردید پیدا کرد... انقلاب اسلامی در جست‌وجوی یک آغاز تازه، یک تأسیس مجدد، بازآفرینی و فعال کردن دوباره اقدامات انقلابی محمد ﷺ است که ملهم از کلام قرآن بود» (دی‌لی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷-۲۱۸).

پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام با گذشت زمان و گسترش مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه خود نرسیده است، بلکه به‌عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم مطرح می‌باشد و دنیایی را که به‌سوی مادیات با شتابی زیاد در حرکت بود، متوقف نموده و دریچه‌ای از قدرت معنویات و اعتقادات دینی و مذهبی را به روی بشر سرگشته امروز گشود.

حضرت امام در این رابطه می‌فرمایند: «امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد کند و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۵، ص ۶۲).
مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان عجل‌الله فرجه‌الشریف برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده (است). ما اگر این گام بزرگ را برمی‌داشتیم، یقیناً ظهور ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! بدانید - که بهتر از ما می‌دانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به‌سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف شدید. شما یک قدم این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید» (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۲۰۱-۲۰۲).

تغییر مسیر تاریخ و احیای اسلام ناب

در عصری که دین از عرصه زندگی اجتماعی کنار گذاشته شده و فرهنگ غربی به‌دنبال سکولاریزاسیون بود و دین افیون توده‌ها معرفی می‌شد، انقلاب اسلامی مسیر تاریخ را تغییر

داده و اسلام ناب و مکتب تشیع را احیا کرد. اگر روی دین در معادلات جهانی تا پیش از شکل‌گیری انقلاب اسلامی حساب نمی‌شد، ظهور انقلاب اسلامی دین را به این عرصه وارد نمود و آنچه را که تفکر سکولار تلاش می‌کرد به فراموشی بسپارند، در پرتو انقلاب اسلامی احیا شد و همه تلاش‌های خبیثانه و کوتاه‌فکرانه در ضدیت و تقابل با دین را ناکام گذاشت. آنتونی گیدنز جامعه‌شناس مشهور در مورد نقش انقلاب اسلامی چنین می‌گوید: «در گذشته سه گول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم‌وبیش اختلافاتی فرایند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم، یعنی فرایند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود» (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۷۵).

بنابراین انقلاب اسلامی این ظرفیت را در دنیای امروز ایجاد کرده است که مسیر تحقق ارزش‌های اسلامی را ایجاد کند و با تداوم آن می‌تواند زمینه‌ساز ظهور باشد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «زمینه ظهور در صورت پیروزی ملت ایران آماده می‌شود. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر ارواحنا له الفداء آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹).

تحقق حاکمیت اسلام ناب

انقلاب اسلامی با برپایی حکومت دینی، حاکمیت اسلام ناب را محقق ساخت که آرمانها و اهداف آن یعنی (حاکمیت توحید، عدالت، ظلم‌ستیزی، آگاهی‌بخشی و روشنگری) در مسیر زمینه‌سازی ظهور ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فی‌هم است.

مقام معظم رهبری فرمودند: «برای ظهور مهدی موعود (ارواحنافداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود

(ارواح‌نفاذ و عزیز)، به‌وسیله ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

بی‌تردید برای همراهی با حکومت جهانی ولی‌عصر عزیز، نیاز به کسب آمادگی و تمرین است که این تمرین عملی در قالب انقلاب اسلامی محقق شده است. تمرین ولایت‌پذیری و اطاعت از ولی امر، تمرین صبر و استقامت در برابر مشکلات، ایستادگی در برابر ستمگران، کسب معرفت و بصیرت دینی و سیاسی و...

به چالش کشیدن فرهنگ و تمدن غرب

انقلاب اسلامی فرهنگ و تمدن مادی و سکولار غرب را که به‌عنوان یگانه نسخه فراروی بشریت معرفی می‌شد را به چالش کشید و دین و ارزش‌های معنوی و اخلاقی را به‌عنوان الگوی جایگزین ارائه داد.

ریچارد مورفی، معاونین اسبق وزارت خارجه آمریکا می‌گویند: «پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسئله استراتژیک متعارف نیست، مسئله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است» (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۴).

پیتر ال برگر در مورد تأثیرات انقلاب اسلامی می‌گوید: «اکنون با رویدادهای ۲۰ سال اخیر در جهان و با توجه به رشد فزاینده نقش دین در سیاست، می‌توان با واقع‌بینی بیشتر، طیفی از الگوهای تعاملی میان این جنبه حساس و سرنوشت‌ساز هستی آدمی مشاهده کرد. چنین به نظر می‌رسد که تأثیری که دین در آستانه قرن بیست و یکم بر مسائل جهانی برجای نهاده، نمایاننده پدیده‌ای است که می‌توان آن را «غیرسکولار بودن مدرنیته» نام نهاد و به این ترتیب به نظر می‌رسد که یکی از سازواره‌های مهم تشکیل‌دهنده مدرنیته، یعنی سکولاریسم از شالودگی آن، شانه خالی می‌کند» (ال برگر، ۱۳۸۰، ص ۹-۱۰).

گسترش گرایش به دین

حاکمیت سکولار به خیال خود با حاشیه کشاندن دین و تقابل با آن، دین را از عرصه اجتماعی سیاسی بیرون راند، اما با ظهور انقلاب اسلامی روند گرایش به دین و اسلام در سطح جهان

به طور فزاینده‌ای گسترش پیدا کرد و این یکی از عوامل زمینه‌ساز ظهور است. مطابق جدیدترین مطالعات و پیش‌بینی‌های جمعیتی مرکز تحقیقاتی پیو، جمعیت مسلمانان جهان طی ده‌های آینده بیشترین میزان رشد را در مقایسه با تمام گروه‌های دینی دیگر تجربه خواهد کرد. بدین معنا که طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ در سطح کل جهان میزان افزایش جمعیت در بین مسیحیان ۳۵ درصد و در بین هندوها ۳۴ درصد و در بین یهودیان ۱۶ درصد خواهد بود، در حالی که این میزان رشد جمعیت در بین مسلمانان طی همین دوره زمانی، ۷۳ درصد خواهد بود. به طوری که جمعیت مسلمانان جهان در ۲۰۵۰ به حدود ۸/۲ میلیارد نفر افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر جمعیت مسلمانان در سه دهه آینده تقریباً برابر با پرجمعیت‌ترین گروه‌های دینی جهان یعنی جمعیت مسیحیان خواهد شد و نزدیک به یک سوم جمعیت جهان را نیز مسلمانان تشکیل خواهند داد» (فروتن، ۱۳۹۴، ص ۷۰-۷۱).

روند گرایش به دین و مذهب که پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترش پیدا کرده است، تا جایی است که برخی از نویسندگان، هزاره سوم میلادی، یعنی قرن ۲۱ را عصر-«ایمان و معنویت» نیز خوانده‌اند و آندره مالرو نویسنده بزرگ فرانسوی معتقد است قرن ۲۱ میلادی یا اصلاً وجود نخواهد داشت و یا قرن مذهب خواهد بود» (حاجتی، ۱۳۸۳، ص ۸۴).

موریس باربیه نیز معتقد است رشد فزاینده احساسات دینی و جست‌وجوی امری معنوی در میان جوانان، ربط وثیق دیانت و الگوهای سیاسی و رشد فزاینده امر دینی در مسائل سیاسی و اجتماعی در خارج از اروپا، مهم‌ترین مسایلی هستند که از رونق یافتن مجدد دین در زمان حاضر حکایت دارد» (باربیه، ۱۳۸۴، ص ۱۳-۱۴).

مایک دنیس برداین، استاد تاریخ دانشگاه ایزونای آمریکا نیز می‌گوید: «به عقیده من مدنیت و تمدن غرب به زودی به بن‌بست خواهد رسید و به جایش مدنیت و تمدن اسلامی خواهد نشست... آمریکا و همه دنیا امروز به چنان بحرانی دچار شده‌اند که مانند آن در تاریخ سابقه نداشته است. اگر بتوان دوره‌ای را با دوره جاهلیت پیش از ظهور پیامبر ﷺ مقایسه کرد همین دوره و عصر ما است... باین حال جهان و به خصوص آمریکا می‌توانند با پذیرش اسلام در خود انقلاب درونی ایجاد کنند. تنها این دین است که می‌تواند کشور من و

جهان را از قیدها برهاند و از نادرستی‌ها آزاد کند» (کیهان، ۸۰/۷/۲۴).

بنابراین در اصل تأثیر انقلاب اسلامی در گرایش به دین‌تردیدی وجود ندارد و این از عوامل زمینه‌ساز ظهور است؛ درعین‌حال اینکه چقدر این زمینه‌سازی فراهم شود از یک‌سو به تبلیغات و ترویج فرهنگ اسلامی بستگی دارد و در مقابل اقدامات نظام سلطه برای حاکمیت فرهنگ سکولار و مقابله با اسلام‌گرایی و انجام سیاست‌های اسلام‌هراسی و نقشه‌های خباثت‌آمیز آنان در مقابله با امواج اسلام‌گرایی.

آگاهی بخشی و بیدارسازی

انقلاب اسلامی، ماهیتی الهام‌بخش و روشنگرانه داشته و در پی ارائه فکر و ایده نو و طرح الگوی جدیدی از مناسبات انسانی و فطری بوده که متکی بر آموزه‌های اسلامی و شیعی است. ویژگی بیدارسازی و آگاهی‌بخشی در توده مردم در ذات انقلاب اسلامی موجود است.

الکساندر هیک وزیر دفاع اسبق آمریکا می‌گوید: «به نظر من خطرناک‌تر و مهم‌تر از این مشکلات بین‌المللی عواقب گسترش بنیادگرایی اسلامی است که در ایران پا گرفته و اکنون عراق و ثبات رژیم‌های عرب میانه‌رو را در منطقه تهدید می‌کند... اگر این از کنترل خارج شود منافع ابرقدرت‌ها را به خطرناک‌ترین وجه به مخاطره خواهد انداخت» (روزنامه اطلاعات، ۶۱/۱۲/۱).

مقام معظم رهبری فرمودند: «آمریکایی‌ها می‌دانند که اگر ایران اسلامی و ملت ایران برقله رفیع این فناوری بایستند سخن حق او که دعوت به استقلال و عزت و سرافرازی است در افکار عمومی جهان به‌ویژه مسلمانان، نفوذ بیشتری خواهد یافت و دشمنان ملت از همین مسئله ناراحت و نگرانند» (مقام معظم رهبری، ۸۳/۴/۱).

نهادینه کردن مفاهیم عدالت‌طلبی و سلطه‌ستیزی

انقلاب اسلامی با ایستادگی خود در برابر نظام سلطه و ندای عدالت‌خواهی و حمایت از مظلومان این مفاهیم ارزشی را در سطح جهان مطرح و نهادینه کرد. امروز شاهدیم که ملت‌های جهان و در قلب آمریکا و اروپا در برابر تجاوزات و جنایات رژیم صهیونیستی

ایستاده و با وجود همه محدودیت‌ها و برخوردها، با محکومیت آن و دفاع از مردم فلسطین، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی خود را به نمایش گذاشته‌اند. حرکتی که بلای جان نظام سلطه و این رژیم شده و بنیان آنها را برخواهند انداخت.

بنابراین، با توجه به نقش غیرقابل انکار انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی برای ظهور، تردید و تشکیک در اصل زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور جا نداشته و نادیده گرفتن واقعیت موجود است. این تأثیرگذاری واقع شده است و اگر اشکال و ایرادی هست به میزان زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برمی‌گردد.

از این جهت حضرت امام فرمودند: «انقلاب ما نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجّت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۳۲۷).

انقلاب اسلامی مرحله صغرای ظهور

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در مسئله ظهور تا جایی است که برخی انقلاب اسلامی را بالاتر از زمینه‌سازی ظهور و مرحله ظهور صغرا دانسته‌اند و معتقدند: «همان‌طور که برای حضرت مهدی عج یک غیبت صغری و یک غیبت کبری است؛ یعنی درست مانند آفتاب وقتی می‌خواهد پنهان شود ابتدا قرص خورشید پشت افق پنهان می‌شود ولی هوا نیمه‌روشن است و کم‌کم این روشنایی برچیده می‌شود و تاریک می‌شود، برای ظهور هم یک ظهور کبری و یک ظهور صغری است، مانند موقعی که آفتاب می‌خواهد طلوع کند قرص خورشید هنوز پیدا نشده اما هوا نیمه‌روشن است و بعد خورشید دیده می‌شود، مرحله غیبت ایشان در دو مرحله واقع شده است و ظهور ایشان هم ظهور صغری و هم ظهور کبری دارد. در ظهور صغری توجه مردم به امام زمان عج زیاد می‌شود و وضع طوری می‌شود که مردم تشنه می‌شود و آماده می‌شوند، ما تصور می‌کنیم که در این عصر- و زمان ما ان‌شاءالله در بین‌الطوعین ظهور حضرت مهدی عج قرار داریم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

«امام معصوم، خورشید آسمان حیات معنوی بشر- است و طلوع و غروب ایشان در صحنه حیات بشر تابع قواعدی شبیه قواعد طبیعی خورشید است اگر مقوله غیبت و ظهور حضرت به‌طور دفعی و بدون هیچ زمینه‌ای واقع شود، مسلماً جوامع بشری تاب این تحول

شدید را نخواهد داشت.

بدین علت حکمت الهی مقتضی تدریجی بودن این اتفاق عظیم است. با بررسی تاریخ حیات بابرکت حضرت درمی‌یابیم که این اتفاق در مورد غیبت حضرت واقع شده است، غیر از اینکه حیات سه امام همام قبل از امام عصر عجل‌الله‌فرجه‌الشریف تقریباً به حالت غیبت بوده و نوعی تمرین برای شیعیان برای زندگی مؤمنانه بدون ارتباط فیزیکی با امام بود. غیبت حضرت به دو مرحله غیبت صغری و کبری تقسیم می‌شود. مرحله غیبت صغری به‌مثابه آماده کردن مردم برای غیبت اصلی و طولانی حضرت بوده است.

همین حکمت در دوران ظهور حضرت هم رعایت خواهد شد. بشری که در طول سدها سال در دل ظلمت زندگی بدون حاکمیت فرهنگ توحیدی ولایی نشو و نما پیدا کرده ظرفیت تحمل ناگهانی نور وجودی که به تعبیر قرآن زمین را اشراق می‌کند «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...» را ندارد؛ بنابراین باید واسطه در این بین وجود داشته باشد. بدین معنا که مجالی برای تجلی نور ایشان در وسعت‌های محدود به وجود آید، که مردم بتوانند خود را برای حضور آن مقام رفیع آماده کنند.

قرائن و شواهد نشان می‌دهد انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ظهور صغرای حضرت بقیة‌الله‌الاعظم و بین‌الطووعین حکومت جهانی امام زمان ارواحنا فدا می‌باشد (حسن‌زاده آملی).

مقام معظم رهبری فرمودند: «همه خصوصیات که در ظهور مهدی (عج) هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیة‌الله همه مردم عالم‌اند؛ یعنی در آن لحظه‌ای که به خانه کعبه پشت می‌دهد و تکیه می‌کند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد می‌کند، صدا می‌زند «یا اهل العالم». انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه قدرت‌های بزرگ جهان ستیزه می‌کند و در می‌افتد، انقلاب ما هم با دست‌خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان‌طوری که ظهور حضرت مهدی هم حساب‌های مادی و معمولی را به هم می‌ریزد، انقلاب ما هم همه حساب‌ها را به هم ریخت» (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴،



ص ۲۵۰).

ناگفته نماند همان‌گونه که زمینه‌سازی برای ظهور الزاماً به معنای حکم قطعی به اتصال انقلاب اسلامی به ظهور ولی‌عصر عجل‌الله‌فرجه‌الشریف نیست، مرحله ظهور صغری دانستن انقلاب اسلامی نیز به معنای اتصال قطعی آن به ظهور نیست. البته امیدواریم انقلاب اسلامی ما به انقلاب مهدی موعود عجل‌الله‌فرجه‌الشریف متصل گردد.

انقلاب اسلامی؛ موانع و چالش‌ها

وجود برخی مشکلات و چالش‌ها در انقلاب اسلامی و فاصله آن با نقطه مطلوب و آرمانی موجب شده تا این سؤال در برخی از اذهان مطرح شود که آیا انقلاب اسلامی با این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز ظهور باشد؟

از این نگاه، نظام جمهوری اسلامی به دلیل وجود مشکلات و کاستی‌ها و دست‌نیافتن به اهداف خود، ناکارآمد بوده و چنین نظامی که نتوانسته است عدالت و رفاه را برای کشور و مردم خود به ارمغان بیاورد، چگونه می‌تواند منادی انقلابی باشد که به دنبال تحقق عدالت در سراسر جهان است؟

چنین انگاره و برداشتی بر پیش‌فرض و فرض‌های نادرستی استوار است که به توضیح آن می‌پردازیم.

۱. این پیش‌فرض که حکومتی که زمینه‌ساز ظهور است، باید فاقد هرگونه اشکال و کاستی باشد و به تمامی اهداف خود دست یابد، نادرست و ناشی از خطای شناختی است. چنین نگرشی که نظام دینی را نظامی فاقد از هرگونه نقص و فساد می‌انگارد، نوعی ایدئال‌گرایی تخیلی و غیرواقع‌گرایانه است. با توجه به معصوم نبودن کارگزاران در نظام دینی و احتمال سوءاستفاده‌ها و قصورها و تقصیرها، اینکه به همه احکام اسلامی عمل نشود و تخلف و فساد صورت بگیرد، طبیعی است. حتی با وجود معصوم علیهم‌السلام و برپایی حکومت اسلامی نیز تخلف و فساد به‌طور کلی منتفی نخواهد شد. نگاهی به نامه‌های نهج البلاغه و نکوهش برخی از کارگزاران متخلف از سوی حضرت و دست‌اندازی به اموال عمومی و عمل نکردن به مسئولیت‌ها و نارضایتی مردم گویای این مطلب است.

بنابراین، هیچ ملازمه‌ای بین زمینه‌سازی برای ظهور و نفی مطلق تخلف و فساد در



حکومت وجود ندارد و این‌گونه نیست که در صورت بروز برخی از تخلفات، ضعف‌ها و آسیب‌ها، زمینه‌سازی برای ظهور به‌طور کلی منتفی شود. بلکه به هر میزان که مشکلات و ضعف‌ها، کمتر بوده و میزان کارآمدی و موفقیت‌ها بیشتر باشد، زمینه‌سازی برای ظهور تسریع خواهد شد.

۲. جمهوری اسلامی ادعای تحقق کامل اسلام را نداشته و کسی ادعا نکرده است که آنچه در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده، به‌طور کامل مطابق اسلام بوده، جمهوری اسلامی در مسیر تحقق حاکمیت اسلامی گام برداشته و تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داد و نباید آنچه در نظام جمهوری اسلامی اتفاق افتاده به‌عنوان نظام آرمانی و مطلوب اسلامی تلقی گردد. همان‌گونه که حضرت امام فرمودند: «اینجانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند، لکن عرض می‌کنیم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان‌فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیون نیز طرفدار و مددکار آنان هستند» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۲۱، ص ۴۱۰-۴۰۹).

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «من ادعا نمی‌کنم که این حکومت دینی یک حکومت قرآنی کامل است؛ ابداً، اولاً منتقد دستگاه خود بنده هستم. ما در اجرای شریعت اسلامی در حداقل‌ها داریم حرکت می‌کنیم. منتها جهت، جهت درستی است؛ به سمت حداکثر می‌خواهیم حرکت کنیم و پیش برویم. حکومت، حکومت دینی است؛ رسماً، قانوناً، برطبق قانون اساسی. هر حرکتی، هر قانونی که برخلاف شریعت اسلامی باشد، منسوخ است؛ حکومت، حکومتی است براساس دین. این پدیده فوق‌العاده مهمی است. یعنی دستگاه سیاسی در کشور به اهل دین اجازه می‌دهد و بلکه از آنها می‌خواهد که در راه ترویج شریعت حرکت کنند. مسئولین نظام اگر با معیارهای دینی تطبیق نکنند، طبق قانون مشروعیت خودشان را از دست می‌دهند» (مقام معظم رهبری، ۸۸/۲/۲۳).

درست است که هدف‌گذاری نهایی پایه‌گذاری یک جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است، اما این روند باید پله به پله طی شود تا به نقطه مطلوب دست یابیم. «فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به‌طور نسبی انسان به آن

اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتیب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت‌وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است... اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است. بعد از این مرحله، مرحله تَأَلُّوْ و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ». اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از هَمَّت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرایند تحقق نظام اسلامی، همین‌طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود. نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود بپردازیم» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۹/۲۱).

۳. اینکه در جمهوری اسلامی مشکلات و کاستی‌هایی در بخش‌های گوناگون وجود دارد، قابل انکار نیست. اما این مشکلات و ضعف‌ها اختصاص به کشور ما نداشته و در همه کشورها به‌ویژه کشورهای مدعی توسعه مشکلات و کاستی‌هایی وجود دارد. کدام کشور را می‌توان یافت که با چنین مشکلاتی مواجه نباشد. البته رسانه‌های وابسته به نظام سلطه با ارایه چهره‌ای زیبا از این کشورها و تمرکز و بزرگ‌نمایی مشکلات کشور ما به‌دنبال تصویرسازی خاص و تصویری رؤیایی و بی‌نقص از این کشورها هستند، تا مدرنیته غربی را یگانه راه توسعه معرفی کرده و پیمودن هر مسیر دیگری را موجب شکست و ناکامی بینگارند.

از این جهت نباید تصور کرد که تنها کشور ما با این مشکلات روبه‌رو بوده و آن را نشان ناکارآمدی و عدم موفقیت آن قلمداد کنیم. این به معنای توجیه مشکلات و کاستی‌ها



نیست، بلکه بدان معناست که وجود برخی مشکلات و ضعف‌ها نباید مانع توجه به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های کشور در حوزه‌های مختلف شود. هرگونه قضاوت و ارزیابی منصفانه و واقعی‌بینانه از وضعیت کشور در گرو توجه به مجموعه نقاط مثبت و منفی، بدون بزرگ‌نمایی مشکلات و یا نادیده دستاوردها و اقدامات انجام گرفته شده است و نباید مشکلات در یک بخش را به همه نظام و حوزه‌های کشور تعمیم بدهیم و به‌گونه‌ای سخن بگوییم که کشور ما تنها با مشکلات و ضعف روبه‌روست.

علاوه بر آنکه مشکلات و کاستی‌ها در کشور ناشی از مبانی و آموزه‌های دینی نیست، بلکه مشکلات کشور ما عمدتاً به عملکرد مسئولان و ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی و اجرا نشدن کامل قوانین و عدم باورمندی به الگوی اسلامی و تأثیرپذیری از الگوهای توسعه غربی و لیبرال و ضعف روحیه انقلابی و... بازمی‌گردد. بی‌تردید ظرفیتی که در انقلاب اسلامی توانسته است، پیشرفت‌ها و دستاوردهای خیره‌کننده‌ای را در حوزه‌های مختلف برای کشور به ارمغان بیاورد، قادر است مشکلات کشور را برطرف کند.

مقام معظم رهبری فرمودند: «ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به‌طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به‌طور کامل در این کشور به‌وجود بیاوریم، اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید اینها ندیده گرفته بشود. یک روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی [وجود دارد]. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد می‌کنند؛ بله؛ با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شگئی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم، راه زیادی را ملت ایران طی کردند، اینها را ندیده نگیرند... بله، البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمان‌هایمان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمان‌های اسلامی خیلی بالاتر از این حرف‌ها است» (مقام معظم رهبری، ۹۳/۱۰/۱۷).

۴. در عرصه دینداری و ترویج اخلاق و معنویت و سبک زندگی اسلامی و تبلیغات دینی

و فرهنگ مهدویت کاستی‌ها و ضعف‌های غیرقابل انکاری داشته‌ایم که بخش عمده آن به کم‌توجهی به مقوله فرهنگی و ضعف فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی و... بازمی‌گردد. قطعاً اگر نگاه کلان و تمدنی در انقلاب اسلامی با جدیت و برنامه‌ریزی جامع پیگیری می‌شد، تفکر اسلام ناب و گفتمان ارزشی اسلام در سطح جهان بسیار گسترده‌تر و بانفوذتر می‌شد. در مقابل نیز شاهد تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان با هدف تضعیف باورها و ارزش‌های دینی و سیطره فرهنگ مبتذل غربی با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های فراوان هستیم. متأسفانه عوامل ضددینی و ضدفرهنگی در عصر-حاضر بسیار گسترش یافته و متنوع شده است و در دسترس است. فضای جهان امروز و وسایل و ابزار فسادانگیز در مقایسه با قبل بسیار بیشتر شده است و وجود فضای مجازی و اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای در گسترش زمینه فساد، تأثیرگذار است. اما در برابر همه این عوامل که دیانت و فرهنگ اسلامی را نشانه رفته و با وجود ریزش‌هایی که در عرصه دینداری شاهد هستیم، رویش‌های فراوانی نیز در عرصه دینداری و تعمیق باورهای اسلامی و انقلابی مشاهده می‌کنیم. اصل دینداری مردم نسبت به گذشته هم بیشتر شده، هم جمعی و اجتماعی شده و هم عمیق گردیده است و همین ایستادگی و تاب‌آوری انقلاب اسلامی در برابر نظام سلطه جهانی، فکر و اندیشه انقلاب اسلامی را سطح جهان زنده نگاه داشته و روزنه نوری در جهان تاریک امروز است که می‌تواند الهام‌بخش بشریت باشد.

۵. اگر جمهوری اسلامی به دلیل این مشکلات و کاستی‌ها، ظرفیت تأثیرگذاری نداشته و نمی‌تواند الهام‌بخش ظهور باشد، این همه تلاش و دشمنی بی‌وقفه و هزینه‌های هنگفت برای مقابله با آن، برای چیست؟ قاعدتاً آن‌گونه که این افراد تصور می‌کنند، چنین انقلابی با این مشکلات، قادر به ادامه حیات نیست و نفوذ فکری و فرهنگی نخواهد داشت که این همه برای مقابله با آن هزینه پرداخت شود؛ درحالی‌که شاهد نفوذ تفکر انقلاب اسلامی در میان ملت‌ها و بیداری ملت‌های جهان هستیم و همین الهام‌بخشی و تأثیر انقلاب اسلامی است که بنیان نظام سلطه را متزلزل کرده و آن را به دشمنی با آن واداشته است.

جمع‌بندی

ظرفیت انقلاب اسلامی در ایجاد تحول فکری و معنوی در جهان و احیای اسلام ناب و تغییر مسیر تاریخ و به چالش کشیدن فرهنگ و تمدن سکولار غرب و آگاهی‌بخشی و بیدارسازی و نهادینه کردن مفاهیم ارزشی و گسترش گرایش به دین و معنویت، نشانگر نقش آن در زمینه‌سازی برای ظهور است.

در این بین، وجود برخی مشکلات و کاستی‌ها به‌عنوان موانع زمینه‌سازی ظهور، گرچه بر میزان این تأثیرگذاری تأثیر داشته، اما اصل زمینه‌سازی ظهور مسئله‌ای است که واقع شده و حرکتی است که توسط انقلاب اسلامی آغاز شده است. البته به هر میزان که انقلاب اسلامی در مسیر خود، مشکلات و کاستی‌ها را کنار زده و موانع را برطرف نماید و در ارایه الگوی حاکمیت اسلام ناب و ترویج معارف اسلامی و فرهنگ مهدویت و سبک زندگی مهدوی موفق‌تر عمل نماید، این زمینه‌سازی شتاب بیشتری خواهد شد.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ال. برگر، پیتر، افول سکولاریزم؛ دین خیزش گر و سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، تهران، پنگان، ۱۳۸۰ ش.
۲. امام خمینی، صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۵ ش.
۳. امام خمینی، وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی (ره)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۴. باریه، موریس، دین و سیاست در اندیشه مدرن، ترجمه امیر رضایی، تهران، نشر- قصیده سرا، ۱۳۸۴ ش.
۵. حاجتی، میراحمدرضا، عصر امام خمینی (ره)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۶. در مکتب جمعه: مجموعه خطبه های نماز جمعه تهران؛ تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
۷. دلی، رابرت، «انقلاب اسلامی و اصالت»، فراتی، عبدالوهاب، رهیافت نظری بر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، قم، معارف، ۱۳۷۹ ش.
۸. فروتن، یعقوب، «بررسی جمعیت شناختی مسلمانان در جهان معاصر»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۹. «در محضر آیه الله العظمی مکارم شیرازی» فصلنامه علمی تخصصی انتظار، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۱۰. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. محدث قمی، عباس، سفینه البحار، تهران، فراهانی، ج ۲، ۱۴۰۲ ق.
۱۳. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران، سروش، ۱۳۷۹ ش.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم؛ ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم؛ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دست‌اندرکاران جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۳.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۰/۹/۲۱.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.
۷. حسن‌زاده آملی، حسن، <https://www.mashreghnews.ir/news/384747>
۸. روزنامه اطلاعات؛ ۶۱/۱۲/۱

